

## تبیین جهان شمولی امر به معروف و نهی از منکر بر پایه آیات قرآن

فیروز اصلانی<sup>۱</sup>

### چکیده

یکی از آموزه‌هایی که قرآن کریم مردم را به آن فراخوانده است امر به معروف و نهی از منکر است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به آراء مفسران قرآن در پی آن است که جهان شمولی امر به معروف و نهی از منکر و نیز آثار جهانی آن را مورد بررسی قرار دهد. سؤال اصلی پژوهش این است که آیا امر به معروف و نهی از منکر و آثار آن تنها شامل امت اسلامی می باشد یا در تمام ادیان جریان دارد.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که این اصل، ریشه در فطرت انسان‌ها دارد و در میان اقوام گذشته و ادیان پیش از اسلام نیز وجود داشته است مانند: مذمت امت‌های گذشته، نفرین حضرت داود و عیسی علیه السلام، و مذمت قرآن نسبت به احبار و رهبان اهل کتاب، توصیه لقمان به فرزندش در عمل به این اصل.

هم چنین اطلاق آیاتی که با خطاب «ای انسان» به این فریضه فراخوانده است جهان شمولی آن را نشان می دهد.

عمل به این اصل و ترک آن برخی پیامدهایی فراگیر و جهان شمول دارد. به عنوان مثال: «تعالی جامعه»، «نجات از عذاب عمومی الهی» و «نجات از خسران حتمی». همان طور که «دچار شدن به لعنت خدا و انبیاء»، «عذاب سخت جهنم» و «شریک بودن در جرم مجرمان»، از جمله آثار عمومی ترک این واجب الهی است.

**واژه‌های کلیدی:** قرآن، تفسیر، جهان شمولی، امر به معروف، نهی از منکر.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مراغه، دانشکده معارف، آذربایجان شرقی، ایران.

Email: fz002813@gmail.com

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۰

دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۳۰

## ۱. مقدمه

### ۱-۱. بیان مسئله

قرآن کریم به عنوان معجزه جاوید الهی، تضمین‌کننده سعادت عموم بشر بوده و با راهنمایی‌ها و دستورالعمل‌های گران‌بهای خود، او را به استوارترین راه‌ها هدایت می‌کند؛ یکی از این دستورالعمل‌ها که به وفور، مورد تأکید قرآن قرار گرفته، «امر به معروف و نهی از منکر» است. علم انسان و جامعه مسلمانان به گستره شمول و کاربست این دو فریضه از جهت زمانی، مکانی، دینی، قومی و... دیدگاه جوامع مسلمانان را در مورد این دو فریضه کامل و صحیح‌تر ساخته و آن‌ها را در برخورد صحیح با این دو فریضه، راهنمایی می‌کند. براین اساس، پژوهش حاضر، از این جهت به عمل آمده است تا به این سؤال پاسخ دهد که:

گستره شمول و کاربست امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن کریم، از لحاظ مکانی و زمانی چقدر است؟

### ۱-۲. پیشینه پژوهش

این بحث، از دیرباز از جهات متعددی هم‌چون اهمیت، ضرورت، حدود، شرایط و سایر جهات، به وفور، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته، و آثار مکتوب بسیاری در این زمینه تدوین گردیده است؛ از جمله آثاری که در این موضوع، به عمل آمده، می‌توان به کتاب‌های فقهی و اخلاقی، کتاب‌های امر به معروف و نهی از منکر، اثر استاد شهید مطهری (مطهری، بی‌تا)، شهروند مسعود، اثر علی اصغریگی، (بیگی، ۱۳۹۰ش)، امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی، اثر مایکل کوک (مایکل کوک، ۱۳۸۶ش)، و موارد دیگر اشاره نمود که به ذکر مباحث کلی در مورد این موضوع، مانند تاریخچه، اهمیت، روش، آثار و پیامدها و... پرداخته‌اند.

مقالاتی نیز یافت می‌شود که با موضوع پژوهش حاضر، ارتباط موضوعی نزدیکی دارند؛ برای مثال، اسماعیلی در نوشتاری با عنوان «آثار امر به معروف و نهی از منکر در بهبود روابط اجتماعی»، به بیان آثار اجتماعی مثبت این دو فریضه پرداخته است (اسماعیلی، ۱۳۹۰ش).

شمخانی در نوشتاری، به بررسی آثار سوء ترک این دو آموزه پرداخته و در این راستا به آیات و روایات استناد کرده است (شمخانی، ۱۳۹۸ش).

رحمان پور و همکاران نیز در نوشتاری، به بررسی فقهی جایگاه امر به معروف در ادیان و فرق مختلف پرداخته‌اند. عمده منابع استنادی و استدلالی این نوشتار را متون دینی ادیان مختلف تشکیل می‌دهد (رحمان پور و همکاران، ۱۳۹۷ش).

### ۱-۳. ضرورت و روش پژوهش

بررسی این مسئله با هدف اثبات جهان شمولی آن کم‌تر مورد عنایت قرار گرفته و این خلا، ضرورت انجام این پژوهش را توجیه می‌کند. اعتقاد یا عدم اعتقاد به جهان شمولی امر به معروف از دیدگاه قرآن، در تعاملات انسان‌ها و جوامع اسلامی با دیگرانسان‌ها و جوامع، تأثیر مستقیم دارد. پیامبر ﷺ و قرآن، علاوه بر جامعه مسلمانان، اهل کتاب را هم مورد امر و نهی قرار داده‌اند. اعتقاد به این مسئله، دیدگاه جوامع مسلمان را نسبت به گستره امر به معروف و نهی از منکر، تغییر داده و تکمیل می‌کند. این وظیفه را بر دوش آن‌ها می‌نهد که در قبال جوامع غیرمسلمان نیز وظیفه دارند. هم‌چنین اعتقاد به جهان شمولی این دو فریضه و پیامدهای آن، انسان را هرچه بیش‌تر در اقامه این دو فریضه، جدی‌تر و مصمم‌تر می‌کند. جهان شمولی این دو فریضه، بحثی است که پیش‌تر به بررسی آن پرداخته نشده است و از این جهت، نوشتار حاضر به بررسی و اثبات آن مبادرت ورزیده است.

این مطالعه از نوع تحلیل محتوا و مبتنی بر بررسی معارف قرآنی با تکیه بر کلیدواژه‌هایی مانند: امر به معروف، نهی از منکر، جهان شمولی اسلام صورت گرفته است. داده‌های اولیه، با بررسی آیات قرآن و تفاسیر و کتاب‌ها و مقالات مرتبط جمع‌آوری شده و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و استدلال‌ها و شواهد لازم برای اثبات مدعا و پاسخ به پرسش تحقیق ارائه شده است.

## ۲. یافته‌ها و بحث

### ۲-۱. مفهوم‌شناسی

قبل از شروع بحث راجع به «جهان شمولی امر به معروف و نهی از منکر»، لازم است تا معنا و مفهوم واژگان اصلی آن، روشن گردد.

مقصود از جهان شمولی، این است که این امر، مختص مکان، زمان، قوم، نژاد و حتی دین خاصی نیست، و این ویژگی را دارد که فراتر از زمان و مکان باشد و همگان را در همه زمان‌ها و مکان‌ها شامل شود (ر.ک: یزدان مدد و عظیمی فر، ۱۳۹۳ش: صص ۱۴۵ تا ۱۶۸).

راغب اصفهانی، معروف را در لغت، اسم مفعول و از ریشه عرف دانسته که به معنای شناخت چیزی در اثر تفکر و تدبر در آن است. وی معتقد است که معروف، هر آن چیزی است که عقل و شرع به نیکو بودن آن، حکم کند (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۵۶۱)، و معنی لغوی منکرا را اسم مفعول، از ریشه «نکر»، می‌داند که به معنای عدم شناخت چیزی است. راغب معتقد است که منکر، به هر فعلی گفته می‌شود که عقل سلیم، به قبح آن، حکم کند (ر.ک: راغب اصفهانی، همان، ص ۸۲۳).

علامه طباطبایی، اصطلاح معروف را به معنای آن چه که با ذائقه افراد یک جامعه، سازگار و در میان آن‌ها مرسوم و متداول باشد، دانسته و می‌گوید: «فالمعروف یتضمن هدایه العقل و حکم الشرع و فضیلته الخلق الحسن و سنن الادب؛ معروف، هدایت عقل و حکم شرع را متضمن است، و فضیلت آن، اخلاق نیکو و سنت‌های ادب است» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۲، ص ۲۳۶). در این معنا، مرجع تشخیص معروف، علاوه بر عقل و شرع، عرف اجتماعی نیز است. در کلام دیگر، اصطلاح «معروف»، به معنی کارهای خوب و حق است، و منکر، به معنی زشت و باطل؛ چراکه اولی، برای هر انسان پاک سرشتی شناخته شده است، و دومی، ناشناس است و به تعبیر دیگر، اولی، هماهنگ با فطرت انسانی است و دومی، ناهماهنگ (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۱۴، ص ۱۱۸). اصطلاح قرآنی امر به معروف، ارشاد به سوی امور شایسته و سزاوار و اصطلاح نهی از منکر، منع از امور ناشایست است (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۸، ص ۳۳۳).

بنابراین، «جهان شمولی امر به معروف و نهی از منکر» در قرآن، به این معنا است که دعوت قرآن به این امر، به گروه خاص، در مکان خاص و یا زمان خاص، و یا قوم و نژاد خاص، یا پیروان دین خاصی اختصاص نداشته، و عموم بشریت را در برمی‌گیرد، و آن بدان جهت است که گفته شد، و آن این‌که اولاً معیار معروف و منکر عقل و فطرت آدمی است که به عنوان رسول باطنی شناخته شده است، و خدای متعال در راستای تقویت همین رسول باطنی، پیامبرانی به عنوان رسول ظاهری فرستاده است تا همگی آدمی را به نیکی‌ها فراخوانند و از زشتی‌ها بازدارند.

## ۲-۲. امر به معروف و نهی از منکر پیش از اسلام

آیاتی متعددی از قرآن کریم، برای این مطلب دلالت دارند که آموزه «امر به معروف و نهی از منکر»، اختصاص به اسلام نداشته و در ادیان و اقوام پیش از اسلام نیز وجود داشته و حائز اهمیت فراوان بوده است. مشروح این مدعا به شرح زیر است:

۲-۱. **امر به معروف و نهی از منکر در اقوام پیشین:** در آیه ۱۱۶ سوره هود، آمده است: «قُلْ لَوْ كَانِ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفُسَادِ فِي الْأَرْضِ...؛ پس چرا از نسل‌های پیش از شما خردمندانی نبودند که [مردم را] از فساد در زمین باز دارند؟».

قرآن کریم در این آیه، اقوام گذشته را به سبب ترک «امر به معروف و نهی از منکر»، سرزنش می‌کند؛ کلمه «لَوْ» در این آیه، به معنی «هل لا» بوده و افاده توبيخ می‌کند؛ پس اقوام گذشته که در قرن‌های پیش از اسلام می‌زیسته‌اند، در این آیه به سبب ترک «امر به معروف و نهی از منکر» توبیخ شده‌اند؛ بنابراین، محدوده «امر به معروف و نهی از منکر»، فراتر از دین اسلام بوده و وسعتی

به پهنای بشریت دارد (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۵، ص ۳۰۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۶، ص ۳۵۳؛ طباطبایی، همان، ج ۱۱، ص ۵۹).

## ۲-۲-۲. امر به معروف و نهی از منکر در ادیان آسمانی پیش از اسلام: آیات متعددی در قرآن

کریم، بوجود و اهمیت «امر به معروف و نهی از منکر» در ادیان آسمانی دیگر، دلالت می‌کنند که از آن جمله، می‌توان به موارد زیر، اشاره نمود:

**الف. توصیه لقمان:** در آیات متعددی از سوره لقمان آمده است که جناب لقمان، فرزندش را به برخی از واجبات الهی و فضایل اخلاقی دعوت کرده، و او را از ذرایب اخلاقی و مسیر نادرست، باز می‌داشت. یکی از مسائلی که لقمان، فرزندش را بدان فرامی‌خواند، «امر به معروف و نهی از منکر» بوده است. در آیه ۱۷ لقمان، این‌گونه به این امر پرداخته شده است: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ...»؛ ای پسرک من، نماز را برپا دار و به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند باز دار...» (لقمان/ ۱۷) این آیه، گواهی است بر این مطلب که موضوع مورد بحث، در زمان حضرت لقمان، وجود داشته است؛ و ذکر موضوع «امر به معروف و نهی از منکر»، در کنار نماز، حاکی از اهمیت آن، در آن زمان است. هم‌چنین پدران و مادران در طول تاریخ، فرزندانشان خود را به کارهایی واداشته و از کارهایی نهی کرده‌اند؛ یعنی مسئله «امر به معروف و نهی از منکر»، ریشه در درون هر انسانی داشته و مربوط به زمان و مکان و یا نژاد و منطقه خاصی نمی‌شود (ر.ک: هاشمی دولابی، ۱۳۸۸ش، ص ۹).

**ب. ربانیون و احبار:** خدای متعال، در آیه ۶۳ مائده، پس از مذمت برخی رفتارهای گناه‌آلود اهل کتاب، می‌فرماید: «لَوْ لَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَ أَكْلِهِمُ السَّخْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ؛ چرا الاهیون و دانشمندان، آن‌ها را از گفتار گناه [آلود] و حرام‌خوارگی‌شان باز نمی‌دارند؟؛ بی‌گمان زشت است آن‌چه انجام می‌دادند» (مائده/ ۶۳).

بنا به گفته دانشمندان ادبیات عرب، عبارت «لولا» اگر به فعل ماضی مضاف گردد، معنای نهی و توبیخ را می‌رساند (ر.ک: کرباسی، ۱۴۲۲ق: ج ۲، ص ۳۱۹)؛ بنابراین، قرآن کریم در این آیه، الاهیون و دانشمندان یهودی و مسیحی را به علت باز نداشتن قومشان از برخی کارهای زشت، نهی کرده و توبیخ می‌نماید (ر.ک: بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ج ۲، ص ۱۳۴؛ آلوسی، همان، ج ۳، ص ۳۴۵؛ واحدی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۳۲۷؛ ابن‌حموش، ۱۴۲۹ق: ج ۳، ص ۱۷۹۶؛ جرجانی، ۱۴۳۰ق: ج ۱، ص ۵۷۴؛ صادقی‌تهرانی، ۱۴۰۶ق: ج ۹، ص ۷۹)؛ پس روشن می‌گردد که «امر به معروف و نهی از منکر» تنها به اسلام اختصاص نداشته و در تمام اقوام و ادیان، حائز اهمیت بوده است؛ چرا که قرآن، علمای اهل کتاب را به خاطر ترک آن، به شدت، مذمت نموده است.

پ. **نفرین داود** علیه السلام و **عیسی** علیه السلام: قرآن کریم، در آیات ۷۸ و ۷۹ سوره مائده، قوم بنی اسرائیل را به سبب ارتکاب برخی گناهان و نیز ترک برخی واجبات، بالحن شدید، مورد مذمت قرار داده و دلیل آن را چنین بیان می‌نماید: «لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَفتَدُونَ \* كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ؛ از میان فرزندان اسرائیل، آن‌ها که کفر ورزیدند، به زبان داوود و عیسی بن مریم مورد لعنت قرار گرفتند؛ این [کیفر] به خاطر آن بود که عصیان ورزیده و [از فرمان خدا] تجاوز می‌کردند \* [و] از کار زشتی که آن را مرتکب می‌شدند، یکدیگر را باز نمی‌داشتند. راستی، چه بد بود آن چه می‌کردند».

عامل مهمی که در این آیات، موجب مذمت شدید قوم بنی اسرائیل توسط قرآن کریم گشته است، ترک «امر به معروف و نهی از منکر» است؛ پس روشن می‌گردد که «امر به معروف و نهی از منکر»، در ادیان پیش از اسلام نیز وجود داشته، و از چنان اهمیتی برخوردار بوده است که ترک آن، موجب مذمت شدید تارکین آن، توسط قرآن، و ملعون شدن آن‌ها از زبان انبیای الهی می‌گردد؛ بر این اساس، آیه شریفه، دلالت بر عمومیت و فراگیری جهانی «امر به معروف و نهی از منکر»، و وجود آن در اقوام و ادیان گذشته دارد (ر.ک: صادقی تهرانی، همان، ص ۱۷۴).

ت. **اصحاب سبت**: قرآن کریم، در آیات ۱۶۴ و ۱۶۵ سوره اعراف، در اشاره به داستان قومی در زمان حضرت داود علیه السلام، به نام اصحاب سبت، می‌فرماید: «وَ إِذْ قَالَتْ أُمُّهُم مِّنْهُمْ لِمَ تُعْطُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعْذِرَةُ إِلَى رَبِّكُمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ \* فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ...؛ و آن‌گاه که گروهی از ایشان گفتند: «برای چه قومی را که خدا هلاک‌کننده ایشان است، یا آن‌ها را به عذابی سخت عذاب خواهد کرد، پند می‌دهید؟» گفتند: «تا معذرتی پیش پروردگارتان باشد، و شاید که آن‌ها پرهیزگاری کنند \* پس هنگامی که آن چه را بدان تذکر داده شده بودند، از یاد بردند، کسانی را که از [کار] بد باز می‌داشتند، نجات دادیم» (اعراف/ ۱۶۴ و ۱۶۵).

از این آیات، برمی‌آید که اصحاب سبت، به جز عده اندکی، با دستور خدا، مبنی بر عدم صید ماهی در روز شنبه، به مخالفت برخاسته و نافرمانی کردند؛ در این میان، عده‌ای نیز وجود داشتند که مؤمن بوده و آن‌ها را امر به معروف و نهی از منکر می‌نمودند؛ اما امر به معروف و نهی از منکرشان، مورد توجه اصحاب سبت، واقع نشده و بدین جهت، گرفتار عذاب الهی گردیدند و فقط کسانی نجات یافتند، که امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند؛ از این ماجرا برمی‌آید که «امر به معروف و نهی از منکر»، در دوران حضرت داود علیه السلام نیز وجود داشته است؛ بر این اساس، از دیدگاه قرآن کریم،

«امر به معروف و نهی از منکر» مخصوص دین یا قوم خاصی نیست و در ادیان و اقوام پیش از اسلام هم وجود داشته‌است؛ در نتیجه، امری است فراگیر که با کل بشریت سرو کار دارد (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۴، ص ۷۵۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۱۷۱).

ث. **امر به معروف اسماعیل** ع: در آیاتی از قرآن در توصیف یکی از ویژگی‌های مثبت حضرت اسماعیل ع آمده‌است: «... وَ اذْكَرْ فِي الْكِتَابِ اِسْمَاعِيلَ اِنَّهٗ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ كَانَ رَشُوْلًا نَّبِيًّا \* وَ كَانَ يَأْمُرُ اَهْلَهٗ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ...»؛ و در این کتاب از اسماعیل یاد کن؛ زیرا که او درست وعده و فرستاده‌ای پیامبر بود. \* و خاندان خود را به نماز و زکات فرمان می‌داد» (مریم/ ۵۴ و ۵۵).

بر اساس آیات فوق، حضرت اسماعیل ع بستگان خود را و بنابر قولی، امت خود را به نماز و زکات و به قولی به نماز شب و صدقه روز امر می‌کرد که همه آن‌ها از مصادیق بارز معروف هستند؛ پس معلوم می‌شود که «امر به معروف» در زمان حضرت اسماعیل ع نیز وجود داشته و از اهمیت بالایی برخوردار بوده‌است که قرآن کریم از آن به نیکی یاد می‌کند؛ برای مبنای دیدگاه قرآن، «امر به معروف و نهی از منکر»، علاوه بر این که در ادیان و اقوام قبل از اسلام هم وجود داشته، از اهمیت فراوانی نیز برخوردار بوده‌است (ر.ک: طبرسی، همان، ج ۶، ص ۸۰۰؛ طبرانی، ۲۰۰۸م: ج ۴، ص ۲۱۴).

از این دو آیه و مجموع آیاتی که در این بخش ذکر گردید، این نکته به دست می‌آید که از منظر قرآن کریم، «امر به معروف و نهی از منکر»، اختصاص به دین یا ملت خاصی نداشته، و امری فراگیر و جهانی است.

### ۲-۳. اهل کتاب، مخاطب امر به معروف پیامبر ص

پیامبر ص و قرآن کریم، دو الگوی حسنه در میان آمران به معروف و ناهیان از منکر هستند. بنا به آیات متعددی از قرآن کریم، اهل کتاب نیز مخاطب امر و نهی پیامبر و قرآن کریم قرار گرفته‌اند که بر این مبنای دین اسلام برای این دو آموزه سازنده، گستره‌ای فرااسلامی قائل است؛ وگرنه به پند و اندرز متدینان سایر ادیان نمی‌پرداخت. برخی از آیات دال بر این مطلب، چنین است:

۲-۳-۱. **تورات و انجیل**: در آیه ۱۵۷ اعراف، می‌خوانیم: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ...»؛ همانان که از این فرستاده، پیامبر درس نخوانده. که [نام] او را نزد خود، در تورات و انجیل نوشته می‌یابند. پیروی می‌کنند؛ [همان پیامبری که] آن‌ها را به کار پسندیده فرمان می‌دهد، و از کار ناپسند باز می‌دارد...» (اعراف/ ۱۵۷)

قرآن کریم، در این آیه، به پیش‌گویی‌هایی که در تورات و انجیل از ظهور پیامبر اسلام ص آمده‌است، اشاره می‌کند؛ و از جمله ویژگی‌های مهمی که برای پیامبر اسلام بیان می‌کند، این

است که ایشان، اهل کتاب را امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند «يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ روشن است که وقتی آن حضرت، طبق آیات قرآن، اهل کتاب را امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، به این معناست که دایره این فریضه الهی، محدود به دین اسلام نمی‌شود و فراگیری جهانی دارد (ر.ک: سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۳، ص ۱۳۰ بیضاوی، همان، ج ۳، ص ۳۷؛ محلی، ۱۴۱۶ق: ص ۱۷۳؛ سبزواری، ۱۴۱۹ق: ص ۱۷۵).

۲-۳-۲. **وحدت کلمه:** در آیه ۶۴ آل عمران، آمده است: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ...»؛ بگو: «ای اهل کتاب، بیایید برسرخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم، و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد...».

قرآن کریم در این آیه، به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد تا اهل کتاب را به سوی توحید و یکتاپرستی فراخوانده و از شرک و بت پرستی و دروغ پردازی باز دارد (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۲، ص ۷۶۶؛ حجازی، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ص ۲۴۰؛ دیوبندی، ۱۳۷۵ش: ج ۱، ص ۳۲۵). روشن است که توحید و یکتاپرستی و اسلام، از مصادیق بارز معروف بوده است و شرک و بت پرستی و دروغ پردازی، از مصادیق بارز منکر است. از این موضوع، این‌گونه به دست می‌آید که پیامبر ﷺ، به دستور خدای متعال، اهل کتاب را امر به معروف و نهی از منکر می‌نمودند؛ و این، نشانگر عمومیت و شمولیت «امر به معروف و نهی از منکر» است.

۲-۳-۳. **ممنوعیت کفر:** در آیات ۹۸ و ۹۹ آل عمران، می‌خوانیم: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ \* قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبِعُونَهَا عَوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ»؛ بگو: «ای اهل کتاب، چرا به آیات خدا کفر می‌ورزید؟ با آن که خدا بر آن چه می‌کنید گواه است»؛ بگو: «ای اهل کتاب، چرا کسی را که ایمان آورده است، از راه خدا باز می‌دارید؛ و آن [راه] را کج می‌شمارید، با آن که خود [به راستی آن] گواهدید؟» و خدا از آن چه می‌کنید غافل نیست».

بر طبق این دو آیه، پیامبر ﷺ، از سوی خدای متعال امر شده است تا اهل کتاب را پند و اندرز دهد و بدین سبب، انکار کردن نشانه‌های حقانیت نبوت آن حضرت ﷺ، باز داشتن مردم از راه درست است. بر این اساس، آن چه بر اهل کتاب، واجب است، دوری از عنادورزی و تعصب بی‌جاست که نتیجه آن، دعوت به اسلام، است (ر.ک: طبرسی، همان، ج ۲، ص ۸۰۱؛ همو، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ص ۱۹۳؛ طباطبایی، همان، ج ۳، ص ۳۶۳). روشن است که تمام فراخواندن‌ها و بازداشتن‌هایی که توسط آن حضرت ﷺ صورت می‌گرفت، مصداق امر به معروف و نهی از منکر است.



۲-۳-۴. **اقامه دین:** قرآن کریم، در آیه ۶۸ سوره مائده، چنین می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُتَمِيمُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ؛ بگو: «ای اهل کتاب، تا [هنگامی که] به تورات و انجیل و آن چه از پروردگارتان به سوی شما نازل شده است عمل نکرده‌اید، بر هیچ [آیین بر حقی] نیستید»».

قرآن کریم، بار دیگر، اهل کتاب را مخاطب خود قرار داده و آن‌ها را بالحنی متفاوت، به پای بندی بر اصول کتاب‌های آسمانی دین خودشان، و آن چه که از سوی خدا، بر آن‌ها نازل شده است، دعوت می‌کند؛ چرا که برخی از مردم اهل کتاب، به اصول اخلاقی و اعتقادی کتاب‌های آسمانی شان پای بند نبوده و رفتارهایی خلاف آن، در جامعه از خود نشان می‌دادند. به همین جهت بود که قرآن کریم، در این دو آیه، از حضرت محمد ﷺ می‌خواهد که اهل کتاب را به رعایت اصول اخلاقی و دینی دعوت کرده، و از رفتارهای ناهنجار و ضد دین شان باز دارد؛ به عبارت دیگر، پیامبر ﷺ، اهل کتاب روزگار خویش را امر به معروف و نهی از منکر می‌کند (ر.ک: طباطبایی، همان، ج ۶، ص ۶۴؛ کرمی، ۱۴۰۲ق: ج ۷، ص ۳۰۹؛ طیب، ۱۳۶۹ش: ج ۴، ص ۴۲۷).

۲-۳-۵. **سخن شرک‌آلود:** در آیه ۷۷ سوره مائده، چنین آمده است: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَ لَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَ ضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ؛ بگو: ای اهل کتاب، در دین خود بناحق گزافه‌گویی نکنید، و از پی هوس‌های گروهی که پیش از این گمراه گشتند و بسیاری [از مردم] را گمراه کردند و [خود] از راه راست منحرف شدند، نروید».

این آیه، اهل کتاب را مخاطب قرار داده و آن‌ها را از غلو در دین نهی می‌کند؛ مقصود از غلو در دین در آیه شریفه، این است که عده‌ای از مسیحیان، خصوصیات و معجزاتی اغراق‌آمیز و اساطیری برای حضرت عیسی علیه السلام، ذکر می‌کردند که به دور از واقعیت بود. سپس آن‌ها را از تبعیت گروه‌های گمراه، باز می‌دارد؛ و این، اشاره به این موضوع دارد که مسیحیان، عقاید اغراقی و انحرافی هم چون تثلیث را از رومیان گرفته بودند که خدای متعال، مسیحیان را از شرکی چنین و تبعیت چنین اقوام گمراهی نهی می‌نماید (ر.ک: خطیب، ۱۴۲۴ق: ج ۳، ص ۱۱۵۳؛ قرشی، ۱۳۷۵ش: ج ۳، ص ۱۲۱)؛ بنابراین، قرآن کریم در آیه شریفه، اهل کتاب را توسط پیامبر گرامی اسلام ﷺ، امر به معروف و نهی از منکر می‌نماید.

از این آیه و مجموع آیات این بخش، این‌گونه به دست می‌آید که از نظر قرآن، محدوده اعمال «امر به معروف و نهی از منکر»، تنها اسلام و جامعه مسلمان نیست؛ بلکه «امر به معروف و نهی از منکر»، اصلی جهان شمول است که در بین تمام بشریت، جریان دارد؛ چرا که در غیر این صورت، قرآن، محمد ﷺ را به امر و نهی در میان اهل کتاب، مأمور نمی‌ساخت.

## ۲-۴. اطلاق امر به معروف و نهی از منکر

قراین و شواهد زیادی در قرآن کریم وجود دارند مبنی بر این که بحث «امر به معروف و نهی از منکر»، محدود به قوم خاص یا زمان و مکان خاصی نیست و تمام بشریت را در بر می‌گیرد؛ برخی از آن شواهد و قراین، بدین شرح است:

۲-۴-۱. واژه «ناس»: در آیه ۱۱۰ آل عمران، چنین آمده است: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ أَمَّنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید؛ به کار پسندیده فرمان می‌دهید، و از کار ناپسند بازمی‌دارید، و به خدا ایمان دارید، و اگر اهل کتاب ایمان آورده بودند، قطعاً برای شان بهتر بود؛ برخی از آن‌ها مؤمنند؛ [ولی] بیش ترشان نافرمانند».

نحوه دلالت آیه بر عمومیت «امر به معروف و نهی از منکر»، بدین صورت است که خطاب آیه، شامل مؤمنان است و زمانی که مؤمنان مخاطب واقع شوند و سخن از انسان باشد، بدین معنا است که مراد آیه از کلمه ناس، عموم بشر است؛ نه تنها مؤمنان. علامه طباطبایی در این زمینه می‌فرماید: «مخاطب آیه شریفه، مؤمنان هستند و این خود، قرینه‌ای است بر این که مراد از کلمه ناس، عموم بشر است» (طباطبایی، همان، ج ۳، ص ۳۷۶)؛ بنابراین، خدای متعال، مؤمنان را تشویق می‌کند که تمام مردم روزگار خویش، اعم از مسلمان و غیرمسلمان را امر به معروف و نهی از منکر نمایند؛ پس قرآن، محدوده این فریضه را مختص به اسلام و مسلمانان ندانسته، و در این آیه، به تشویق برای گسترش این امر، در دایره وسیع بشریت، مبادرت می‌ورزد و این خود، دلیلی است بر جهان شمولی «امر به معروف و نهی از منکر»؛ یعنی هدف آن، ایجاد نظارت عمومی در سطح تمام جوامع است تا اعضای جوامع، جسارت ترک معروف و ارتکاب منکر را نداشته باشند (ر.ک: جوادی آملی، بی تا، ج ۲۰، ص ۴۳۱).

۲-۴-۲. تعبیر «انسان»: در سوره عصر، چنین آمده است: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ \* إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ؛ واقعاً انسان دست خوش زیان است؛ مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و هم‌دیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند» (عصر/تا ۳).

این سوره، اشاره دارد که همه انسان‌ها، به سمت تباهی و خسران می‌روند. از جمله ارکان نجات از خسران و تباهی، غیر از ایمان و عمل صالح، تواصي به حق و صبر است، و توصیه هم‌دیگر به حق و صبر، از مصادیق «امر به معروف و نهی از منکر» است؛ و این مطلب، حاکی از آن است که «امر به معروف و نهی از منکر»، از اول آفرینش، تشریح گردیده است.

در آیات فوق، با بررسی معنای کلمه «تَوَاصُوا» درمی‌یابیم که توأسی به حق، به معنای سفارش مردم، یکدیگر را به پیروی از حق و توأسی به صبر به معنای توصیه کردن مردم، یکدیگر را به اطاعت خدا و صبر کردن در برابر معاصی الهی است (ر.ک: طباطبایی، همان، ج ۲۰، ص ۳۵۷)؛ از سوی دیگر، با نظر در واژه «الإنسان»، این نکته روشن می‌گردد که حکم جاری در آیات مذکور، شامل کل بشریت بوده و مختص زمان خاصی نیست (ر.ک: صادقی‌تهرانی، ۱۴۳۲ق: ص ۶۰۱). امام صادق علیه السلام، این مطلب را تأیید کرده و آیه را چنین تبیین می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، وَإِنَّهُ فِيهِ إِلَىٰ آخِرِ الدَّهْرِ؛ قطعاً انسان همواره در حال زیان است و تا روز قیامت، در این زیان دائمی است» (ر.ک: بحرانی، ۱۴۱۵ق: ج ۵، ص ۴۷۵).

«توأسی به حق و صبر»، مصداق بارز معروف است؛ پس روشن می‌گردد که قرآن کریم در این آیات، عموم بشریت را امر به معروف می‌نماید. از طرف دیگر، «توأسی به حق و توأسی به صبر» خود، نوعی «امر به معروف و نهی از منکر» است و قرآن کریم، علاوه بر این که کل بشریت را امر به معروف می‌کند، خود آن‌ها را نیز به «امر به معروف و نهی از منکر» تشویق و دعوت می‌نماید؛ بنابراین، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که از دیدگاه قرآن، «امر به معروف و نهی از منکر»، دستورالعملی نیست که مخصوص دین یا گروه خاصی باشد؛ بلکه حکم آن در تمام اعصار و در بین همه انسان‌ها جاری است و اگر چنین نبود، قرآن، همه انسان‌ها را به این امر فرا نمی‌خواند؛ بر این اساس، آیه مذکور، دلیلی بر فراگیری جهانی بودن خطاب «امر به معروف و نهی از منکر» است.

**۴-۳. مطلق بودن «امر به عدالت و احسان»:** در آیه ۹۰ سوره نحل، می‌خوانیم: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يُعْظِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ؛ در حقیقت، خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم بازمی‌دارد. به شما اندرز می‌دهد؛ باشد که پند گیرید».

خدای متعال، در آیه فوق، در جهت اصلاح جامعه بشری، مردم را امر به برخی امور پسندیده کرده و از برخی امور ناپسند، نهی می‌کند؛ آن امور پسندیده، عبارتند از امر به عدالت و احسان و انفاق به خویشاوندان؛ و امور ناپسند یادشده، عبارت‌اند از کار زشت، کار ناپسند و ظلم و ستم. نحوه دلالت آیات مذکور بر جهان‌شمولی امر به معروف و نهی از منکر، بدین صورت است که این امر و نهی الهی برای جامعه بشری، مطلق بوده و از اطلاق آیه استنباط می‌شود که شامل همه بشر است و فاقد هرگونه قید زمانی و مکانی است. آیت‌الله جوادی در این مورد می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر، سنت و سیره و اخلاق فعلی حق تعالی است که بشریت را به معروف فراخوانده و از منکر نهی می‌کند» (جوادی آملی، همان، ج ۱۵، ص ۲۷۶). در مقابل، فطرت سلیم بشری نیز، معروف را می‌پذیرد و منکر

رارد و انکار می‌کند (ر.ک: قطب، ۱۴۲۵ق: ج ۴، ص ۲۱۹۱). بنابراین، از دیدگاه قرآن کریم، آموزه «امر به معروف و نهی از منکر»، محدود به دین و زمان و مکان خاصی نبوده و با فطرت بشری سرو کار دارد.

## ۲-۵. عمومیت پیامدهای امر به معروف و نهی از منکر

در بخشی که گذشت، برای اثبات جهان‌شمولی امر به معروف و نهی از منکر، به بررسی آن دسته از آیات قرآن کریم پرداخته شد که با واژه‌های عام، تمام بشریت را به این فریضه فرامی‌خواند؛ در این بخش، به آن دسته از آیاتی استناد می‌شود که بر عمومیت پیامدهای امر به معروف و نهی از منکر، در هر زمانی و مکانی و بر تمام انسان‌ها دلالت دارد:

### ۲-۵-۱. پیامدهای مثبت «امر به معروف و نهی از منکر»: هر عملی که در یک جامعه انجام

می‌پذیرد، برای خود، پیامدهایی دارد که عمل نمودن به «امر به معروف و نهی از منکر» نیز از این قاعده مستثنا نیست. پیامدهای عمل به این دو فریضه، عبارتند از:

**الف. تعالی جامعه:** قرآن کریم، بهترین امت را امتی معرفی می‌کند که به اقامه «امر به معروف و نهی از منکر» مبادرت می‌ورزند. در آیه ۱۱۰ آل عمران می‌خوانیم: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...؛ شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید؛ به کار پسندیده فرمان می‌دهید، و از کار ناپسند بازمی‌دارید، ...» (آل عمران/ ۱۱۰).

با این‌که این آیه، مؤمنان را مخاطب خود قرار داده‌است، اما بر طبق نوشته تفاسیر متعدد، یک قاعده عمومی از این آیه برداشت می‌شود؛ و آن هم عبارت است از این‌که از منظر قرآن، «امر به معروف و نهی از منکر» دو عامل مهم، از سه عاملی هستند که باعث تعالی جامعه و تبدیل شدن به بهترین امت می‌گردد؛ (ر.ک: طبری، ۱۴۲۱ق: ج ۴، ص ۲۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۲، ص ۸۱۱؛ فخر رازی، همان، ص ۳۲۴؛ دخیل، ۱۴۲۲ق: ص ۸۵؛ حوی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ص ۸۵۰؛ قرشی، همان، ج ۲، ص ۱۵۵؛ حجازی، همان، ص ۲۶۵).

**ب. نجات از عذاب عمومی الهی:** در آیات ۱۶۴ تا ۱۶۶ اعراف، آمده است: «وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ نَعْظُونَ قَوْمًا لِّلَّهِ مَهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعْذِرَةُ إِلَى رَبِّكُمْ وَعَلَيْهِمْ يَتَّقُونَ \* فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ؛ و آن‌گاه که گروهی از ایشان گفتند: «برای چه قومی را که خدا هلاک‌کننده ایشان است، یا آن‌ها را به عذابی سخت عذاب خواهد کرد، پند می‌دهید؟» گفتند: «تا معذرتی پیش پروردگارتان باشد، و شاید که آن‌ها پرهیزگاری کنند.» \* پس هنگامی که آن‌چه را بدان تذکر داده شده بودند، از یاد بردند، کسانی را که از [کار] بد بازمی‌داشتند نجات دادیم؛ و کسانی را که ستم کردند، به سزای آن‌که نافرمانی می‌کردند، به عذابی شدید گرفتار کردیم.»

آیات یادشده، در مورد قومی از بنی اسرائیل، به نام اصحاب سبت است که به سبب نافرمانی از حدود و قوانین الهی مبنی بر حرمت شکار ماهی در روز شنبه، دچار عذاب عمومی الهی شدند (ر.ک: بلخی (مقاتل)، ۱۴۲۳ق: ج ۲، ص ۷۰؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۲، ص ۳۳؛ حویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۸۸)؛ اما افرادی از این قوم، از عذاب عمومی نجات یافتند که قرآن، عامل نجات آن‌ها را «امر به معروف و نهی از منکر» معرفی می‌کند؛ اما باید توجه داشت که این آیات، دلالت بر یک سنت عمومی الهی می‌کند؛ نه این‌که فقط اختصاص به بنی اسرائیل داشته باشد (ر.ک: طباطبایی، همان، ج ۸، ص ۲۹۶)؛ زیرا در بسیاری از آیات دارای اسباب نزول، اگرچه آیه به سبب حادثه خاصی نازل شده است، اما سیاق و الفاظ به کار رفته در آن، به‌گونه‌ای است که مفید عمومیت است (ر.ک: طوسی، بی تا، ج ۳، صص ۵۶۴ تا ۵۵۸؛ شاکر، ۱۳۹۳ش: ص ۲۱۳). علی علیه السلام در تأیید مضمون این آیه می‌فرماید: «اقوام گذشته به این جهت هلاک و نابود گشتند که مرتکب گناهان می‌شدند و بزرگان شان سکوت می‌کردند، و نهی از منکر نمی‌نمودند، در این هنگام بلاها و کیف‌های الهی بر آن‌ها فرود می‌آمد، پس شما ای مردم! امر به معروف کنید و نهی از منکر نمائید، تا به سرنوشت آن‌ها دچار نشده و از شریک عذاب آن‌ها نشوید» (حویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۶۴۹). احادیثی با مضمون مشابه، در کتب روایی مهم اهل سنت نیز وجود دارد که بر اهمیت «امر به معروف و نهی از منکر»، دلالت داشته و پیامدهای سازنده عمل به آن و نیز پیامدهای شوم ترک آن را بازگو می‌کند؛ ابن ماجه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آورده است: «امر به معروف و نهی از منکر کنید تا مبادا زمانی برسد که [بر اثر ترک آن] دعاهای تان مستجاب نشود» (ابن ماجه، ۱۴۱۸ق: ج ۵، ص ۴۸۰). شبیه همین مضمون را ترمذی نیز آورده است (ترمذی، ۱۴۱۹ق: ج ۴، ص ۲۱۵) براین اساس، یکی دیگر از پیامدهای عمومی «امر به معروف و نهی از منکر»، نجات از عذاب فراگیر الهی است.

**پ. نجات از خسران حتمی:** از منظر قرآن، هر انسانی همواره در زیان و خسران است؛ به جز یک عده خاص که قرآن کریم، آن‌ها را این‌گونه معرفی می‌نماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ \* إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ؛ واقعاً انسان دست خوش زیان است؛ مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و هم‌دیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند» (عصر/ ۲ و ۳).

آیات فوق، چهار رکن اصلی برای نجات از زیان‌کاری را ذکر کرده است که توامی به امور حق و توامی به صبر در برابر امور ناشایست و ترک آن‌ها از جمله آن ارکان است (ر.ک: صادقی تهرانی، ۱۴۳۲ق: همان)؛ و از آن جهت که «امر به معروف و نهی از منکر»، با مصادیق توامی به حق و توامی

به صبر مطابقت دارد، می‌توان نجات از خسران حتمی و دائمی را از دیگر پیامدهای عمومی «امر به معروف و نهی از منکر» دانست (ر.ک: فخر رازی، همان، ج ۳۲، ص ۲۸۲).

۲-۵-۲. پیامدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر: در بخش گذشته، پیامدهای عمومی «امر به معروف و نهی از منکر» ذکر شد؛ اما ترک این دو فریضه مهم الهی نیز، برخی پیامدهای سوء عمومی را دارا است که عبارتند از:

**الف. لعنت خدا و انبیاء:** خدای متعال در آیات ۷۸ و ۷۹ مائده، بنی اسرائیل را به سبب ارتکاب برخی گناهان و نیز ترک برخی افعال ضروری، بالحن شدید مورد عتاب و مذمت قرار داده، می‌فرماید: «لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ \* كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ...»؛ از میان فرزندان اسرائیل، آن‌ها که کفر ورزیدند، به زبان داوود و عیسی بن مریم مورد لعنت قرار گرفتند. این [کیفر] به خاطر آن بود که عصیان ورزیده و [از فرمان خدا] تجاوز می‌کردند. \* [و] از کار زشتی که آن را مرتکب می‌شدند، یکدیگر را باز نمی‌داشتند...».

آیات فوق، بر این مطلب دلالت می‌کند که بی‌تفاوتی به فساد و ترک «امر به معروف و نهی از منکر»، موجب ملعون [۱] واقع شدن از زبان خدا و پیامبرانش می‌گردد (ر.ک: صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق: همان؛ زحیلی، ۱۴۱۱ق: ج ۹، ص ۱۱۹). علی علیه السلام، در نهج‌البلاغه همین مطلب را تأیید نموده و می‌فرماید: «خداوند، ملت‌های قبل از شما را تنها به سبب ترک امر به معروف و نهی از منکر لعن کرد؛ سفیهان را به خاطر ارتکاب معاصی، و عالمان را به خاطر ترک تناهی» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق: خ ۱۹۲). در نتیجه، یکی از پیامدهای عمومی ترک امر به معروف و نهی از منکر، دچار شدن به غضب الهی و لعنت اولیای الهی است.

**ب. عذاب سخت جهنم:** قرآن، در آیات ۲۹ تا ۳۴ سوره حاقه، دلیل بدبختی اهل جهنم و جهنمی شدن آن‌ها را این‌گونه بیان می‌کند: «خُدُوهُ فَعَلُوهُ \* ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلَوَهُ \* ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ \* إِنَّه كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ \* وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ؛ [گویند:] بگیری او را و در غُلّ کشید. \* آن‌گاه میان آتشش اندازید. \* پس در زنجیری که درازی آن هفتاد گز است وی را در بند کشید. \* چرا که او به خدای بزرگ نمی‌گروید. \* و به اطعام مسکین تشویق نمی‌کرد.».

بنا به گفته علامه طباطبایی، مصدر «حض» به معنای تحریک و تشویق کردن است؛ دو آیه آخر، در مقام بیان علت دستور قبلی، یعنی «بگیری و ببندید و در آتش بیفکنید» است؛ قرآن کریم، یکی از علت‌های آن دستور را عدم تشویق به امور خیر می‌داند که اهل جهنم، دیگران را به اطعام مسکین تشویق نمی‌کردند. تشویق به هرگونه عمل صالح، مصداق «امر به معروف» است که ترک آن، موجب عذابی این‌چنین سخت می‌گردد؛ بر این اساس، یکی از نتایج عمومی «ترک امر به

معروف و نهی از منکر»، عاقبت به شر شدن و درآمدن در آتش جهنم و عذاب سخت اخروی است (ر.ک: طباطبایی، همان، ج ۱۹، ص ۴۰۱).

ث. **شریک بودن در جرم مجرمان:** در آیات ۶۲ و ۶۳ مائده می خوانیم: «وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السَّخْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ \* لَوْلَا يُنْهَاهُمُ الرَّبَانِيُّونَ وَ الْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السَّخْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ»، و بسیاری از آن ها را می بینی که در گناه و تعدی و حرام خواری خود شتاب می کنند. واقعاً چه اعمال بدی انجام می دادند \* چرا الاهیون و دانشمندان، آن ها را از گفتار گناه [آلود] و حرام خواری شان باز نمی دارند؟ راستی چه بد است آن چه انجام می دادند».

از مفهوم آیات این بخش، چنین برداشت می گردد که تقصیر و گناه تارکان امر به معروف و نهی از منکر، کم تر از مجرمان و عاملان منکر نیست؛ زیرا قرآن کریم، مجرمان و تارکان امر به معروف و نهی از منکر را در یک زمره جمع کرده و با عبارت «لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ»، حکم واحدی را شامل حال هر دو گروه می گرداند؛ دلیل آن هم این است که انسان ها به دلیل گرایش فطری به زندگی جمعی، سرنوشت مشترکی در اجتماع دارند؛ پس هر فساد و صلاحی، تمام جامعه را دربر گرفته و ضرر یا نفع آن، به تمام افراد جامعه می رسد؛ بنابراین، عقل حکم می کند که هیچ یک از اعضای جامعه، در برابر رخداد های جامعه بی تفاوت نبوده و به هیچ کس اجازه سوراخ کردن سطح کشتی جامعه که در این دریای پرتلاطم در حال حرکت است را ندهند؛ زیرا مجموع این کشتی، یک سرنوشت دارد و آسیب های وارده به آن، تنها مخصوص ستم پیشگان نبوده و همه افراد آن را در بر می گیرد؛ آیه «وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَأُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً...؛ و از فتنه ای که تنها به ستم کاران شما نمی رسد بترسید» (انفال/ ۲۵). مؤید این موضوع است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۵ ش: صص ۱۲۹ تا ۱۳۲). پیامبر ﷺ، امر به معروف و نهی از منکر را شریک در خیر آن دانسته، و هم چنین، امر به امور ناپسند را شریک ضرر و جرم آن فعل، معرفی می نمایند (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ج ۱۶، ص ۲۱۴)؛ بنابراین، از پیامدهای عمومی ترک «امر به معروف و نهی از منکر»، شریک بودن در جرم مجرمان و دچار شدن به سرنوشت آن ها است.

## ۲-۶. تحلیل و بررسی

در آیه ۹۰ سوره نحل، چنین می خوانیم: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يُعْظَمُ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»؛ در حقیقت، خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم بازمی دارد. به شما اندرز می دهد، باشد که پند گیرید».

خدای متعال، در آیه فوق، در جهت اصلاح جامعه بشری، مردم را امر به برخی امور پسندیده کرده و از برخی امور ناپسند، نهی می‌کند؛ آن امور پسندیده، عبارتند از امر به عدالت و احسان و انفاق به خویشاوندان؛ و امور ناپسند یادشده، عبارت‌اند از کار زشت، کار ناپسند و ظلم و ستم. نحوه دلالت آیات مذکور بر جهان شمولی امر به معروف و نهی از منکر، بدین صورت است که این امر و نهی الاهی برای جامعه بشری، مطلق بوده و از اطلاق آیه استنباط می‌شود که شامل همه بشر است و فاقد هرگونه قید زمانی و مکانی است؛ هم‌چنین، از آیه فوق، عائد می‌گردد که فطرت انسان، به خیر و نیکی و معروف، تمایل داشته و با آن سازگار است؛ و در مقابل، زشتی و منکر را پس زده و از آن گریزان است؛ چراکه در آیه شریفه، پس از تبیین این مطلب که خدا، مردم را به نیکی و معروف فراخوانده و از اعمال زشت و ناپسند بازمی‌دارد، می‌فرماید: «يَعُظُّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»؛ «تذکر»، از ریشه «ذکر» است و در کلام راغب، ذکر به معنای یادآوری است؛ بدین شکل که گاهی چیزی به یاد می‌آید و مراد از آن، حالتی است در نفس که به وسیله آن، انسان، چیزی را که شناخت آن را قبلاً حاصل کرده است، حفظ می‌کند (ر.ک: راغب اصفهانی، همان، ص ۳۲۸)؛ بنابراین، وقتی خداوند می‌فرماید: «لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»، معلوم می‌شود که چیزی در اعماق وجود انسان، راجع به موضوع امر و نهی خدا در آیه شریفه که همان معروف و منکر است، وجود داشته است. هم‌چنین قرآن، در آیه ۸ سوره شمس، می‌فرماید: «فَأَلَّهَمَّهَا فَجُورَهَا وَتَقْوَاهَا؛ سپس پلیدکاری و پرهیزگاری‌اش را به آن الهام کرد» (شمس / ۸). و فطرت بشری را فطرتی فضیلت طلب معرفی می‌کند (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۱۰، ص ۷۵۵؛ طباطبایی، همان، ج ۲۰، ص ۲۹۷)؛ براساس برخی از روایات نیز «امر به معروف و نهی از منکر» از برترین و مهم‌ترین فضایل انسانی است و به همین دلیل، در طول تاریخ، فطرت انبیاء و اولیای الاهی و انسان‌های پاک سرشت، با آن بیگانه نبوده و بدان عمل می‌نمودند. روایت امام باقر علیه السلام در مورد اهمیت و ارزش بی‌نظیر «امر به معروف و نهی از منکر» همین مطلب را تأیید می‌کند. آن حضرت فرمودند: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَمِنْهَا جِئَ الصَّلَاحُ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَتَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَتَجَلُّ الْمَكَاسِبُ وَتُرَدُّ الْمَطَالِمُ وَتُعْمَرُ الْأَرْضُ وَيُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَيَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ؛ امر به معروف و نهی از منکر راه پیامبران و شیوه نیکوکاران است. فریضه بزرگی است که دیگر فرایض به واسطه آن برپا می‌شود و راه‌ها امن می‌گردد و درآمدها حلال می‌شود و حقوق و اموال به زور گرفته شده به صاحبانش برمی‌گردد و زمین آبادان می‌شود و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و کارها سامان می‌پذیرد» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ص ۵۶؛ طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۶، ص ۱۸۱؛ مجلسی، ۱۴۰۶ق: ج ۱۱، ص ۴۳؛ همو، ۱۴۰۴ق: ج ۱۸، ص ۴۰۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق: ج ۱۵، ص ۱۷۰؛ حر عاملی، همان، ص ۱۱۹).



آیت الله جوادی آملی در این مورد می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر»، سنت و سیره و اخلاق فعلی حق تعالی است که بشریت را به معروف فراخوانده و از منکر نهی می‌کند (ر.ک: جوادی آملی، بی‌تا، همان) در مقابل، فطرت سلیم بشری نیز، معروف را می‌پذیرد و منکر را رد و انکار می‌کند (ر.ک: قطب، همان)؛ بنابراین، از دیدگاه قرآن، آموزه «امر به معروف و نهی از منکر»، محدود به دین و زمان و مکان خاصی نبوده و با فطرت بشری سرو کار دارد. بر این اساس، اگر آموزه امر به معروف و نهی از منکر را فطری تلقی کنیم، بدیهی است که نمی‌توان پیامدهای آن را محدود به زمان و مکان نمود و این خود، بر جهان شمولی پیامدهای امر به معروف و نهی از منکر دلالت دارد.

### ۳. جمع بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به آن چه که گذشت، روشن معلوم شد که قرآن کریم برای دو آموزه «امر به معروف» و «نهی از منکر»، محدودیت زمانی، مکانی، قومی یا دینی قائل نیست. در راستای اثبات این مدعا، به چند دسته از آیات استناد شده است که براساس آن‌ها، این دو آموزه، در میان اقوام پیشین و ادیان آسمانی پیش از اسلام نیز وجود داشته و از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده است.

با این مطالعه ثابت شد که اهل کتاب، مخاطب امر به معروف اسلام و پیامبر ﷺ واقع شده‌اند و این دلیل دیگری است بر فرااسلامی بودن و کاربست جهان شمولی این دو آموزه است. با بررسی بخشی از آیات قرآن ثابت شد که قرآن کریم، گستره شمول و کاربست این دو آموزه را با واژه‌هایی چون «ناس»، «انسان» و مشابه آن بیان کرده است و خود دلیل دیگری بر مدعای این نوشتار. آخرین دسته از آیات قرآن، ناظر به این واقعیت است که تمام اقوام و ادیان در هر زمانی، با پای بندی به این دو آموزه یا شانه خالی کردن از آن، به آثار نیک یا پیامدهای ناخوشایند آن گرفتار شده‌اند. در نهایت این که براساس برخی آیات قرآن امر به معروف و نهی از منکر، ریشه در فطرت انسان دارد.

#### پی‌نوشت

۱. «لعن به معنای طرد همراه با خشم و غضب است که اگر از جانب خداوند باشد، به معنای عقوبت در آخرت و قطع رحمت در دنیا است؛ و اگر از جانب انسان‌ها باشد، معادل نفرین کردن است» (راغب اصفهانی، همان، ص ۷۴۱).

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمد مهدی، فولادوند.
۲. نهج البلاغه، ترجمه: محمد، دشتی.
۳. آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵ق)، تفسیر روح المعانی، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۴. ابن حموش، مکی، (۱۴۲۹ق)، الهدایه إلى بلوغ النهایه، تحقیق: شاهد، بوشیخی، جامعه الشارقه، شارجه.
۵. ابن ماجه، محمد بن یزید، (۱۴۱۸ق)، سنن ابن ماجه، دارالجلیل، بیروت.
۶. بحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۵ق)، تفسیر البرهان، مؤسسه البعثه، قم.
۷. بلخی، مقاتل بن سلیمان، (۱۴۲۳ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت.
۸. بیضاوی، عبدالله، (۱۴۱۸ق)، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت.
۹. بیگی، علی اصغر، (۱۳۹۰ش)، شهروند مسئول، سدره المنتهی، شهرکرد.
۱۰. ترمذی، محمد بن عیسی، (۱۴۱۹ق)، الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی، دارالحديث، مصر.
۱۱. جرجانی، عبدالقادر بن عبدالرحمن، (۱۴۳۰ق)، درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم، تصحیح و تحقیق جمعی از محققان، دارالفکر، عمان.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، بی تا، تفسیر تسنیم، اسرا، قم.
۱۳. -----، (۱۳۸۵ش)، ادب فنای مقربان، اسرا، قم.
۱۴. حجازی، محمد محمود، (۱۴۱۳ق)، تفسیر واضح، دارالجلیل، بیروت.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، مؤسسه آل بیت علیهم السلام، قم.
۱۶. حوی، سعید، (۱۴۰۹ق)، الأساس فی تفسیر، دارالسلام، قاهره.
۱۷. حویزی، عبدعلی، (۱۴۱۵ق)، تفسیر نورالثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم.
۱۸. دخیل، علی محمد علی، (۱۴۲۲ق)، تفسیر الوجیز، دارالتعارف للمطبوعات، لبنان.
۱۹. خطیب، عبدالکریم، (۱۴۲۴ق)، التفسیر القرآنی للقرآن، دارالفکر، بیروت.
۲۰. دیوبندی، محمود حسن، (۱۳۸۵ش)، تفسیر کابلی، احسان، تهران.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ قرآن، دارالقلم، بیروت.
۲۲. رحمان پور، حسین؛ آل نبی، سید مهدی؛ اسحاق زاده، الهه، (۱۳۹۷ش)، بررسی فقهی جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در بین ادیان و فرق مختلف، مجموعه مقالات ششمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روان شناسی، آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران. انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین، تهران.

۲۳. زحیلی، وهبه، (۱۴۱۱ق)، **التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج**، دارالفکر، دمشق.
۲۴. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ق)، **تفسیر کشاف**، دارالکتب العربی، بیروت.
۲۵. سبزواری، محمد، (۱۴۱۹ق)، **إرشاد الأذهان إلى تفسیر القرآن**، دارالتعارف، بیروت.
۲۶. سیوطی، عبدالرحمن، (۱۴۰۴ق)، **الدر المنثور**، کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی، قم.
۲۷. شاکر، محمدکاظم، (۱۳۹۳ش)، **علوم قرآنی**، دانشگاه قم، قم.
۲۸. شمخانی، اژدر، (۱۳۹۸ش)، **پیامدها و ضررهای کوتاهی در فریضه امر به معروف و نهی از منکر**، فصلنامه علمی، **بصیرت و تربیت اسلامی**، دوره ۱۶، شماره ۴۸.
۲۹. صادقی‌تهرانی، محمد، (۱۴۰۶ق)، **تفسیر البلاغ**، مکتب محمد صادقی‌تهرانی، قم.
۳۰. -----، (۱۴۳۲ق)، **تفسیر الفرقان**، فرهنگ اسلامی، قم.
۳۱. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۹۰ق)، **تفسیر المیزان**، موسسه علمی مطبوعات، بیروت.
۳۲. طبرانی، سلیمان بن احمد، (۲۰۰۸م)، **تفسیر الکبیر (تفسیر القرآن العظیم)**، دارالکتب الثقافی، اربد.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، ناصر خسرو، تهران.
۳۴. -----، (۱۴۱۲ق)، **جوامع الجامع**، حوزه علمیه، قم.
۳۵. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، **تفسیر جامع البیان**، دارالمعرفه، بیروت.
۳۶. طوسی، محمد بن حسن، بی تا، **التبیین فی تفسیر القرآن**، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۳۷. -----، (۱۴۰۷ق)، **تهذیب الأحکام**، دارالکتب الإسلامیه، تهران.
۳۸. طیب، عبدالحسین، (۱۳۶۹ش)، **تفسیر اطبیب البیان**، اسلام، تهران.
۳۹. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، **تفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)**، دار احیاء تراث العربی، بیروت.
۴۰. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۴۰۶ق)، **الوافی**، کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام، اصفهان.
۴۱. -----، (۱۴۱۵ق)، **تفسیر الصافی**، مکتبه الصدر، تهران.
۴۲. قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۵ش)، **تفسیر احسن الحدیث**، بعثت، تهران.
۴۳. قطب، سید، (۱۴۲۵ق)، **فی ظلال القرآن**، دارالشروق، بیروت.
۴۴. کرباسی، محمدجعفر، (۱۴۲۲ق)، **اعراب القرآن**، دار و مکتبه الهلال، بیروت.
۴۵. کرمی، محمد، (۱۴۰۲ق)، **تفسیر کتاب الله المنیر**، علمیه، قم.
۴۶. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، دارالکتب الإسلامیه، تهران.
۴۷. مایکل کوک، (۱۳۸۶ش)، **امر به معروف و نهی از منکر**، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد.
۴۸. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ق)، **مرآة العقول**، دارالکتب الإسلامیه، تهران.

۴۹. مجلسی، محمدتقی، (۱۴۰۶ق)، **روضه المتقین**، مؤسسه کوشان بور، قم.
۵۰. مطهری، مرتضی، بی تا، **امر به معروف و نهی از منکر**، صدرا، تهران.
۵۱. محلی، محمد بن احمد، (۱۴۱۶ق)، **تفسیر جلالین**، تحقیق: سیوطی، مؤسسه النور للمطبوعات، بیروت.
۵۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۱ش)، **تفسیر نمونه**، دارالکتب الإسلامیه، تهران.
۵۳. واحدی، علی بن احمد، (۱۴۱۵ق)، **الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز**، تحقیق: صفوان عدنان، داوودی، دارالقلم، بیروت.
۵۴. هاشمی دولابی، قدسیه، (۱۳۸۸ش)، **امر به معروف و نهی از منکر در قرآن، مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)**، فصلنامه علمی. ترویجی دانشگاه مذاهب اسلامی، تهران، شماره ۱۸، صص ۶ تا ۱۷.
۵۵. یزدان مدد، طیبه؛ عظیمی فر، علیرضا، (۱۳۹۳ش)، **جهان شمولی آیین اسلام از منظر قرآن و روایات**، فصلنامه قرآن در آینه پژوهش تفسیر پژوهی، سال اول، شماره اول، صص ۱۴۵ تا ۱۶۸.